



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد

عنوان : سهم نفت در تحکیم روابط و گسترش نفوذ انگلیس در ایران

از ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۵ میلادی

استاد راهنما :

دکتر محمد رضا علم

استاد مشاور :

دکتر شهرام جلیلیان

نگارنده :

مینا رئیسی (۸۷۲۶۶۰۲)

اسفند ماه ۱۳۸۹

نام خانوادگی: رئیسی سربیشن	نام: مینا
عنوان پایان نامه: سهم نفت در تحکیم روابط و گسترش نفوذ انگلیس در ایران از ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۵ میلادی	
استاد راهنما: دکتر محمدرضا علم	استاد مشاور: دکتر شهرام جلیلیان
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: تاریخ
محل تحصیل (دانشگاه): شهید چمران اهواز	گرایش: مطالعات خلیج فارس
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	
تاریخ فارغ التحصیلی: اسفند ماه ۱۳۸۹	تعداد صفحه: ۱۷۲
کلیدواژه ها: ایران، انگلیس، نفت، امتیاز داری، جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم، قرارداد ۱۹۳۳	
چکیده:	
<p>میان دو کشور ایران و انگلیس، از دوره ایلخانان روابط سیاسی و دیپلماسی برقرار بود. اما کشف نفت در ابتدای قرن ۲۰ میلادی در جنوب ایران، اهمیت این کشور را برای انگلیس چندین برابر نمود. با کشف نفت و اهمیت این ماده در عصر جدید، انگلیس برای تأمین نفت مورد نیاز امپراتوری خود به منظور حفظ سیادت و برتری خود در عرصه سیاست جهانی، با خرید اکثریت سهام شرکت نفت ایران و انگلیس، صنعت نفت ایران را تحت کنترل خود درآورد و بدین وسیله توانست نفت مورد نیاز خود را از این منبع ارزان و مطمئن تأمین نماید، همین امر زمینه‌ای برای گسترش حضور و افزایش نفوذ انگلیس در ایران گردید.</p> <p>نفت ایران در جریان دو جنگ جهانی سهمی انکارناپذیر در موفقیت و پیروزی انگلیس و متفقین ایفاء نمود. همچنین در رابطه ایران و انگلیس در مقطع زمانی مورد بحث، یعنی از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۵ میلادی، مسائل برآمده از نفت و قراردادهای نفتی تأثیر فراوانی بر اقتصاد و سیاست ایران و به طبع سایر زمینه‌ها برجای نهادند، که به نوبه خود تاریخ و سرنوشت ایران را به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار دادند. در رساله حاضر این مسائل با هدف بررسی میزان سهمی که نفت در روابط دو کشور ایفاء نمود، مورد مطالعه قرار گرفته است.</p>	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	سخنی در باب منابع و مآخذ
۱۰	فصل اول: روابط ایران و انگلیس تا دوره قاجار
۲۲	فصل دوم: امتیاز داری و سهیم شدن دولت انگلیس در سهام شرکت نفت ایران و انگلیس
۲۲	- نفت و کاربرد آن در گذشته.....
۲۴	- امتیازات نفت ایران در قرن ۱۹ میلادی.....

- ۲۴ الف- امتیاز رویتر.....
- ۲۴ ب- امتیاز بانک شاهنشاهی.....
- ۲۵ ج- امتیاز هوتز.....
- ۲۵ د- شرکت معادن ایران.....
- ۲۶ تحصیل امتیاز داری.....
- ۲۸ - آغاز عملیات و تحصیل سرمایه.....
- ۳۲ - کشف نفت در مسجد سلیمان و تأسیس شرکت نفت ایران و انگلیس.....
- ۳۷ - صدور اولین نفت ایران.....
- ۳۴ - پیشرفت عملیات شرکت نفت ایران و انگلیس تا جنگ جهانی اول.....

۳۸ شرکت دولت انگلیس در سهام شرکت نفت ایران و انگلیس

۵۰ **فصل سوم: ابعاد اهمیت نفت ایران برای انگلیس در جریان**

دو جنگ جهانی

۵۰ الف- نگاهی گذرا به علل جنگ جهانی اول و دلایل شروع آن.....

۵۱ ب- ابعاد اهمیت نفت در جنگ جهانی اول.....

۵۳ ج- ابعاد اهمیت نفت ایران در جنگ جهانی اول برای انگلیس.....

۵۵ ه- اشغال ایران در جنگ جهانی دوم

۵۶ و- عملیات حفاظت از تأسیسات نفتی ایران در جریان جنگ جهانی اول توسط انگلیس.....

۶۰ پیشرفت عملیات شرکت نفت ایران و انگلیس در سال‌های جنگ جهانی اول.....

۶۱ ز- وضعیت داخلی شرکت نفت ایران و انگلیس در سال‌های جنگ جهانی اول.....

- ۵۹ مسائل نفت ایران در سال‌های بین دو جنگ جهانی
- ۶۲ الف- اهمیت نفت ایران برای انگلیس در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول
- ۶۴ ب- اختلافات بین دولت ایران و شرکت نفت
- ۶۹ ج- قرارداد ۱۹۱۹ و ارتباط آن با نفت
- ۷۱ د- توسعه عملیات شرکت نفت ایران و انگلیس پس از جنگ جهانی اول
- ۷۳ ه- توسعه عملیات نفتی در خارج از مسجد سلیمان (قشم، پشت کوه، لرستان)
- ۷۵ و- الغاء امتیاز داری و انعقاد قرارداد ۱۹۳۳
- ۷۹ ز- توسعه نفت ایران پس از قرارداد ۱۹۳۳

۸۴ - اهمیت نفت ایران در جنگ جهانی دوم برای انگلیس

۸۴ آغاز جنگ و اعلام بیطرفی ایران در جنگ جهانی اول

۸۵ الف: ابعاد اهمیت نفت ایران برای انگلیس در جنگ جهانی دوم

۹۹ - عملیات محافظت از مناطق نفتی ایران در جریان جنگ دوم و توسعه عملیات شرکت

۱۰۴ فصل چهارم: سهم نفت در تحکیم روابط و گسترش نفوذ انگلیس

در ایران از ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۵ میلادی

۱۰۴ الف- بررسی و تحلیل امتیاز داری

۱۱۱ ب- بررسی مسأله روابط شرکت با ایلات و قبایل ایران

۱۱۷ ج- بررسی مسأله نقض بی طرفی و اشغال ایران در جنگ جهانی اول

۱۱۹ د- بررسی و تحلیل قرارداد ۱۹۱۹

۱۲۳	ه- بررسی کودتای ۱۲۹۹ و ارتباط آن با مسأله نفت
۱۳۱	و- بررسی اختلافات بین شرکت و دولت ایران
۱۳۱	- اولین اختلاف
۱۳۶	بررسی مسأله الغاء امتیاز داری و انعقاد قرارداد ۱۹۳۳
۱۴۷	ز- بررسی اشغال و نقض بی طرفی ایران در جنگ جهانی دوم
۱۵۲	ح- تقاضای امتیاز نفت ایران از سوی دولت ها بعد از جنگ دوم
۱۵۳	ط- بررسی فعالیت های رفاهی و اجتماعی شرکت
۱۵۹		نتیجه گیری
۱۶۱		فهرست منابع مأخذ

● مقدمه

تاریخ روابط ایران و انگلیس از ابعاد متعددی قابل بررسی است و تا کنون نیز در موارد بسیاری مورخان و پژوهشگران عرصه تاریخ به این مسأله پرداخته اند. دلایل بسیاری در طول تاریخ باعث ایجاد رابطه بین دو کشور و تحکیم این رابطه و البته در مقاطعی، تضعیف و حتی در مواردی قطع رابطه بین دو کشور شده اند. پژوهش حاضر را نیز می توان از آن دست نوشته‌هایی به حساب آورد که به بررسی روابط ایران و انگلیس، البته در یک مقطع زمانی خاص و همچنین حول یک محور معین یعنی نفت به عنوان عاملی که به نظر می رسد در روابط بین دو کشور سهم درخوری داشته است می پردازد.

آنطور که از تاریخ روابط ایران و انگلیس بر می آید؛ از همان شروع روابط بین دو کشور که به دوره ایلخانان مغول بر می گردد، علل و انگیزه‌های متعددی در ایجاد رابطه بین دو کشور مؤثر افتاده است؛ این علل و انگیزه‌ها به مرور و با پر رنگ شدن روابط تقویت، همچنین انگیزه‌های جدیدی به آن‌ها افزوده شده است. در آغاز قرن ۲۰م. با کشف نفت در ایران، یکی از این انگیزه‌های جدید را برای گسترش روابط بین دو کشور عامل نفت شکل داد.

در واقع کشف نفت در ابتدای قرن ۲۰م. اهمیت ایران را برای انگلیس بیش از پیش افزایش داد. در این زمان مسأله کاربرد این ماده ارزشمند در صنعت و تسلیحات مطرح شده بود و انگلیس به عنوان یک قدرت جهانی، برای برتری و سیادت خود در سطح جهان و مقابله با رقبا در عرصه سیاست جهانی نیازمند تسلط و کنترل بر منابع نفتی مستقل و مطمئن بود و منابع نفت ایران این قابلیت را داشت، همین امر موجب شرکت دولت انگلیس در امتیاز نفت ایران گردید، این رویداد به دنبال خود مسائل و مباحث فراوانی را در روابط دو کشور ایجاد نمود.

انگیزه انتخاب موضوع حاضر یعنی: « سهم نفت در تحکیم روابط و گسترش نفوذ انگلیس در ایران از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۴م. » برای پژوهش، علاقه نگارنده به مطالعه سهم نفت در روابط ایران ایران و انگلیس در این دوره زمانی و بررسی میزان تأثیر پذیری تاریخ ایران از این مسأله بود. ضمن پذیرش و تأیید این مطلب که عوامل متعددی در روابط ایران و انگلیس هم قبل از کشف نفت و نیز همزمان با عامل نفت عمل می کردند.

درباره موضوع این پژوهش، لازم است توضیح داده شود که، علی رغم سهم فوق-العاده‌ای که به عقیده نگارنده، نفت در روابط ایران انگلیس ایفاء نمود و این مسأله متأثر از نیاز انگلیس به نفت برای پیشبرد سیاست‌های جهانی این کشور بود، آن طور که باید و شاید این مسأله از سوی مورخان و پژوهندگان تاریخ مورد تحلیل و بررسی قرار نگرفته است و اگر چه در منابع متعددی به صورت پراکنده به این موضوع پرداخته شده است؛ لکن پژوهش جامع و مستقلى تحت چنین عنوانی صورت نگرفته است. این مسأله در حالی است که؛ روابط شکل گرفته بین دو کشور ایران و انگلیس حول محور نفت، تأثیر بسزائی بر سیاست و اقتصاد کشور بر جا نهاد و پیامدهای بسیار مهمی برای کشور ایران در جنبه‌های مختلف در پی داشت؛ این امر در قالب قراردادهای نفتی و نیز در موارد بسیاری مداخلات مستقیم و غیر مستقیم در امور ایران خود را نشان داده و به طور غیر-قابل انکاری با پیامدهای متعدد، تاریخ و سرنوشت ایران را متأثر ساخت. تأثیرپذیری شدید تاریخ ایران از این مسأله انگیزه‌ای برای نگارنده در انتخاب این عنوان برای رساله خود بوده و سعی شده است تا حد امکان با تأمل و تعمق به بررسی مسأله پرداخته و زوایای مسأله را روشن سازد. سؤالات و فرضیه‌هایی که در این رساله مطرح می‌شوند عبارتند از:

سوال اصلی: « سهم نفت در تحکیم روابط و گسترش نفوذ انگلیس در ایران از ۱۹۰۰ تا ۱۹۴۵ میلادی » چه بوده است؟

فرضیه اصلی: نفت، موجب عدم تحکیم روابط ایران و انگلیس در این برهه زمانی شده است.

سوال فرعی: اهمیت نفت ایران، برای انگلیس در جریان دو جنگ جهانی چه بود؟

فرضیه فرعی: نفت ایران، عاملی اساسی در پیروزی انگلیس در جریان دو جنگ جهانی بود.

روش پژوهش و شیوه گردآوری اطلاعات در این رساله، با توجه به ماهیت پژوهش‌های تاریخی، توصیفی تحلیلی می‌باشد. نگارنده کوشیده است که موضوع مورد بحث را توصیف و تشریح نموده و با بررسی ابعاد و زوایای مسأله آن را تحلیل و تبیین نماید. برای گردآوری اطلاعات از شیوه کتابخانه‌ای استفاده شده و با مراجعه به کتب مربوطه، اسناد و آرشیوها اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده است و نگارنده پس از تجزیه و تحلیل مطالب گردآوری شده به نگارش و تدوین نهائی رساله حاضر پرداخته است.

رساله حاضر در چهار فصل پرداخته شده است. فصل اول شامل پیشینه روابط دو کشور قبل از کشف نفت است که ضمن آن به علل و انگیزه‌های ایجاد روابط و روند تغییر و تحول انگیزه‌ها پرداخته شده است. در فصل دوم ابتدا به شرح کسب امتیاز داری و کشف نفت در جنوب ایران و تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس و سپس به سهم شدن دولت بریتانیا در شرکت نفت پرداخته شده است و علل و انگیزه‌های این اقدام مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل سوم رساله به بررسی اهمیت نفت ایران در دو جنگ جهانی برای انگلیس و نیز مسائلی که در فاصله بین دو جنگ جهانی در ارتباط با مسأله نفت بین شرکت و دولت ایران و به طبع دولت انگلیس پدید آمد پرداخته شده است. نهایتاً در فصل چهارم نگارنده به بررسی و تجزیه و تحلیل قراردادهای نفتی و رویدادهای تاریخ ایران در این مقطع زمانی که متأثر از نفت بوده اند، پرداخته تا از این راه به نتیجه گیری نهائی بپردازد.

در این جا لازم می‌دانم که تشکر و سپاسگذاری نمایم، از کلیه اساتید بزرگواری که تا کنون در محضر آنان به فراگیری تاریخ پرداخته‌ام، اساتید گرانقدر گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز که در مقطع کارشناسی ارشد افتخار شاگردی آنها را داشته ام و نیز اساتید محترم گروه تاریخ دانشگاه یزد که در مقطع کارشناسی از وجودشان بهره بردم. همچنین خالصانه و صمیمانه قدردانی می‌نمایم از راهنمائی‌های آقای دکتر محمدرضا علم، استاد راهنمای این رساله و همچنین آقای دکتر شهرام جلیلیان که به عنوان استاد مشاور افتخار استفاده از محضرشان را داشتم.

• سخنی در باب منابع و مآخذ

با توجه به اهمیت شناخت منابع و مآخذ مورد استفاده در امر پژوهش، در این رساله نیز برای معرفی مهمترین منابع مورد استفاده، به معرفی این آثار و نویسندگان آنها پرداخته می‌شود.

- پنجاه سال نفت ایران

این کتاب از منابع اصلی است که نگارنده در سطحی وسیع بهره ی فراوانی از آن در نگارش رساله برده است. نویسنده این کتاب یعنی مصطفی فاتح خود از کارکنان شرکت نفت ایران و انگلیس بود. وی فرزند سرتیپ احمد خان فاتح‌الملک، مشروطه‌خواه، مالک و فرمانده قشون اصفهان و نماینده مجلس بود و در سال ۱۲۷۷ ه.ش در اصفهان متولد شد. دارای لیسانس اقتصاد از دانشگاه کلمبیا بود و در سال ۱۳۰۰ ه.ش به استخدام شرکت نفت در آمد و به عنوان نخستین نماینده شرکت در تهران مشغول به کار شد. روابط دولت ایران و شرکت نفت در آن ایام توسط اداره مزبور برقرار بود و طبعاً تماس‌ها با وزارتخانه‌ها و رجال و سیاستمداران توسط فاتح انجام می‌گرفت. وی در سال ۱۳۰۸ ه.ش به ریاست اداره پخش مواد نفتی در ایران منصوب شد. فاتح به فعالیت‌های سیاسی نیز می‌پرداخت و پس از سقوط رضاشاه به تشکیل جمعیت فاشیست پرداخت که روزنامه مردم ارگان این جمعیت بود و غالب اعضاء حزب توده که در زمان رضا شاه زندانی بودند به عضویت هیئت تحریریه این روزنامه درآمدند. روزنامه رهبر ارگان حزب توده و روزنامه مردم ارگان جمعیت فاشیست در یک جهت گام برمی‌داشتند. همچنین وی حزب هم‌رهان را تشکیل داد که یک برنامه سوسیالیستی را تعقیب می‌کرد و ظاهراً از سوی انگلیسی‌ها و در هماهنگی با اقدام روس‌ها در تشکیل حزب توده به عنوان سدی در برابر نفوذ آلمان در ایران به وجود آمد. مصطفی فاتح در سال ۱۳۲۶ ه.ش پس از فراغت از فعالیت‌های سیاسی به عنوان معاونت کل شرکت نفت منصوب شد و عازم خوزستان گردید و قریب سه سال و نیم در این سمت بود و سرانجام پس از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت از کار کناره‌گیری و بازنشسته شد.

فاتح به دو زبان انگلیسی و فرانسوی تسلط کامل داشت و آثاری نیز به رشته تحریر درآورد که از جمله آن‌ها کتاب پنجاه سال نفت ایران است. از آنجا که فاتح خود در دستگاه شرکت نفت کار می‌کرد، اطلاعات جامع و مبسوطی از شرکت و فعالیت‌های آن و مسائل نفت ایران از ابتدا تا ملی شدن صنعت نفت ایران ارائه می‌نماید. علیرغم فعالیت‌های سیاسی و این مسأله که می‌توان وی را از لحاظ سیاسی، شخصیتی تندرو به حساب آورد، اما این تمایلات از دیدگاه نگارنده این رساله، روی هم رفته چندان تأثیری بر مطالب و داورهای کتاب مزبور نداشته و از اهمیت آن نکاسته است.

نویسنده در این کتاب در چهارده فصل به بیان مطالب خود پرداخته است. در دو فصل اول به طور مقدماتی به نفت و کاربرد آن در گذشته و نیز نفت از نظر علمی و صنعتی در عصر جدید می‌پردازد. در فصل‌های بعد پس از پرداختن به رقابت‌های بین‌المللی بر سر نفت و نفت خاورمیانه و ابعاد اهمیت آن از فصل پنجم به نفت ایران و مسائل آن می‌پردازد.

– طلای سیاه یا بلای ایران

کتاب اثر ابوالفضل لسانی می‌باشد و در سال ۱۳۲۹ ه.ش. برای اولین بار به چاپ رسید. نویسنده کتاب خود در آن سال‌ها در دستگاه اداری کشور فعالیت داشته و چنانکه خود بیان می‌کند در سال ۱۳۲۵ ه.ش به مناسبت قبول وکالت اعتصابیون شرکت نفت و مداخله در دادرسی طولانی تشکیل شده در دادگاه موقت نظام و دادگاه تجدید نظر ناچار شد مطالعاتی در این باب انجام دهد و این امر زمینه‌ای شد برای نگارش این اثر که در ابتدا به صورت مقالاتی در روزنامه داد منتشر شد. چاپ این کتاب در سال‌های اوج‌گیری نهضت ملی نفت ایران و تلاش مصدق و مجلس برای ملی شدن نفت و چنانکه خود نویسنده بیان می‌کند ظاهراً به اصرار عده‌ای از علاقمندان به سعادت کشور و مخصوصاً پاره‌ای از نمایندگان مجلس به منظور اطلاع رسانی به مردم جهت آگاهی از حقایق نفتی و تعدیات و اقدامات غیرمنصفانه شرکت نفت و دولت انگلیس انجام شد.

مطالب این کتاب از امتیازات نفتی ایران که در قرن نوزده به بیگانگان واگذار شد شروع و به قرارداد الحاقی و مسائل نفت ایران تا اندکی قبل از ملی شدن نفت ختم می‌شود. لذا برخلاف کتاب مصطفی فاتح به ملی شدن نفت پرداخته نشده است. اهمیت کتاب از آن رو است که نویسنده مسائل و جریان‌های نفت ایران را همراه با جزئیات ثبت نموده و به طور مفصل و مشروح بیان کرده است. نویسنده در شانزده فصل کتاب به طور مفصل از این مسائل بحث نموده و به چگونگی اعطای امتیاز داری، کشف نفت در ایران

و مسائلی که به دنبال آن پیش آمد، از جمله اختلافات میان دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس، دلایل نارضایتی ایران از فعالیت‌های شرکت و امتیاز داری، مساله الغاء امتیاز داری و کشم‌های بین دولت ایران و شرکت و دولت انگلیس پس از آن و سپس انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ و بررسی و تحلیل این امتیاز و معایب و محاسن آن و اقدامات غیر منصفانه شرکت پس از این قرارداد می‌پردازد.

نفت و قدرت در ایران

این کتاب اثر شاهرخ وزیری می‌باشد، نویسنده کتاب از مارکسیست‌های دوره پهلوی دوم است، لذا در مطالعه و استفاده از مطالب این اثر، و بررسی دیدگاهها و اظهار نظرات نویسنده مانند آثار سایر مارکسیست‌ها باید با احتیاط عمل نمود. این مؤلف در کتاب خود حکومت ایران و روش استبدادی دولت را یک عامل اساسی در تحولات ایران فرض کرده و نفت را عاملی اساسی در قدرت‌گیری حاکمان ایران و پیشرفت آنها می‌داند. نویسنده با الهام از نظریه شیوه تولید آسیائی معتقد است، پدیده استبداد در ایران، به کلی معلول وجود یک عامل اقتصادی یعنی تسلط دولت بر وسایل تولید و توزیع جامعه است، و پیرو همین دیدگاه نفت را به عنوان یک منبع اقتصادی عامل استبداد حاکمان ایران می‌داند؛ در حالی که پدیده استبداد را در مورد ایران فقط معلول عامل اقتصادی دانستن و از تأثیر عوامل فرهنگی و به ویژه ایدئولوژی جامعه غافل ماندن به شدت قابل انتقاد است.

مطالب این کتاب در چهار بخش تألیف شده است، در بخش اول نویسنده ضمن بررسی شیوه تولید و مالکیت در ایران تاریخ نفت ایران را از کسب امتیاز داری تا قبل از ملی شدن نفت بررسی می‌کند و در واقع این بخش تنها قسمت کتاب است که نگارنده در این رساله از آن بهره برده است. در بخش‌های بعدی نویسنده کتاب پس از شرح جریان ملی شدن صنعت نفت ایران به بررسی نفت ایران و مسائل داخلی آن و نیز در عرصه سیاست بین الملل می‌پردازد و تا سال‌های قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران به بررسی مطلب ادامه می‌دهد..

خاورمیانه نفت و قدرت های بزرگ

این کتاب اثر بنجامین شوادران می‌باشد و نخستین بار در سال ۱۹۵۰م. و دومین بار در سال ۱۹۵۵ م. و سومین بار پس از تجدید نظر کامل در سال ۱۹۵۹م. انتشار یافت. آنچه که در کتاب بدان پرداخته شده است، تحلیلی است از تحولاتی که در قرن ۲۰م. به

دنبال کشف نفت در کشورهای خاورمیانه پدید آمد، تحولاتی که هم اقتصادی و هم سیاسی و هم اجتماعی بوده‌اند و هم دولت‌های بزرگ اغلب در شکل دادن به آنها دست داشته‌اند.

در بخش ایران کتاب، به شرح رویدادهائی پرداخته شده است که از آغاز کار نفت، از زمان اعطای امتیاز نامه داری شروع و تا تشکیل شرکت نفت ایران و انگلیس، عقد قرارداد ۱۹۳۳م.، ماجرای جنگ جهانی دوم و سپس وقایع پس از آن دوران که به ملی شدن صنعت نفت ایران انجامید و نیز قرارداد کنسرسیوم را به دنبال داشت ادامه می‌یابد. نویسنده در این کتاب تاریخچه دقیقی از چگونگی پیدایش و تحول صنعت نفت و مسائل نفتی کشورهای خاورمیانه را به دست می‌دهد و روابط قدرت‌های بزرگ را با مسأله نفت بررسی می‌کند.

نفت، پول، قدرت

این کتاب اثر دنیل یرگین آمریکائی استاد دانشگاه هاروارد می‌باشد. در این کتاب به طور گسترده به مسائل نفت، تأثیر آن در صنعت و تجارت و همچنین در جنبه‌های سیاسی و تاریخی، تحولات قرن بیست میلادی، تأثیر نفت بر جنبه‌های نظامی و تاریخی در این قرن، جنگ‌های جهانی و علل وقوع آنها، و بررسی سیاست‌های جهانی پرداخته شده است. بخش عمده‌ای از این کتاب نیز به پیدایش صنعت نفت در ایران و مسائل مرتبط با آن اختصاص یافته است. لذا برای درک چگونگی تحولات سیاسی و تاریخی نفت در جهان و ایران منبعی مفید می‌باشد.

نوشته‌های دنیل یرگین هر چند خواندنی و جذاب نگاشته شده است، و در مواردی نیز ارائه اسناد و مدارک، کتاب وی را از جامعیت بیشتری برخوردار ساخته است، اما بی‌تردید مطالب آن تماماً پذیرفتنی، قابل قبول و مبتنی بر واقعیت نمی‌باشد و نمی‌توان آنرا عاری از جهت‌گیری که معمولاً در این دست از آثار نویسندگان خارجی مشاهده می‌شود دانست.

تجزیه و تحلیل مالی امتیازات نفتی خاورمیانه

این کتاب اثر زهیر مقداشی استاد دانشکده مدیریت بازرگانی در دانشگاه آمریکائی بیروت می‌باشد که تجارب پر دامنه‌ای در زمینه امور نفتی داشته است. وی مشاور چند دولت تولید کننده نفت و سازمان کشورهای صادر کننده نفت بوده و در چندین کنگره بین‌المللی نفت شرکت داشته است. مقداشی پس از کناره‌گیری از کار دانشگاهی رایزن

امور نفتی وزارت دارائی و نفت کویت شد که در سال ۱۹۶۵م. بزرگترین کشور صادر کننده نفت در نیمکره شرقی بوده است. نویسنده قبلاً یکی از اعضای بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و عضو هیئت مطالعات اقتصادی بانک مزبور در لیبی بود. وی مسافرت‌های زیادی به کشورهای تولید کننده نفت خاورمیانه کرده و بر مبنای یافته‌های خویش، مقالات بسیاری به رشته تحریر درآورده است. مقداشی اقتصاد را در دانشگاه آمریکائی بیروت و دانشگاه آکسفورد آغاز کرده و مطالعات فوق لیسانس خود را در دانشگاه لیون و دانشگاه استنفورد به پایان رسانید.

این کتاب کوشش دارد که اولاً عوامل تعیین کننده نحوه پرداخت و نرخ امتیازنامه‌های عمده نفتی در خاورمیانه، و ثانیاً عملکرد مالی طرفین امتیاز را تجزیه و تحلیل و تفسیر نماید. مقصود از عملکرد مالی، منافع حاصله صاحبان امتیاز و عواید دریافتی دولت‌های امتیاز دهنده است. در این همین راستا نویسنده به تجزیه تحلیل مالی امتیازات و قراردادهای نفتی ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای صاحب نفت خاورمیانه پرداخته است. دوره مورد مطالعه از سال ۱۹۰۱م. یعنی از تاریخ امضای نخستین امتیاز موفقیت‌آمیز نفت خاورمیانه تا قرارداد کنسرسیوم را دربر می‌گیرد.

این کتاب به مآخذ دست اول منتشر شده و منتشر نشده مبتنی می‌باشد، یعنی اسناد رسمی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و گزارش‌های شرکت‌های نفتی که مآخذ اصلی تهیه واقعیات و ارقام برای تجزیه و تحلیل است. علاوه بر آن، مؤلف امتیاز دسترسی به یادداشت‌های داخلی و همچنین امکان مصاحبه با مقامات عالی‌رتبه دولت و شرکت‌ها را داشته است تا درباره سیاست‌ها و انگیزه‌هایشان بحث کرده و پاره‌ای از گزارش‌های چاپی را بررسی کند.

نشریات و مجلات

علاوه بر کتب استفاده شده به عنوان منبع در این رساله، از آنجا که مقالات منتشر شده در نشریات و مجلات نیز به عنوان تحقیقات و پژوهش‌های جدید دارای اهمیتی درخور می‌باشند، لذا چندین مقاله از نشریات متفاوت نیز در این رساله مورد استفاده قرار گرفته است که در اینجا به بررسی دو مورد از این نشریات یعنی فصلنامه تاریخ روابط خارجی ایران و فصلنامه تاریخ معاصر ایران پرداخته می‌شود.

فصلنامه تاریخ روابط خارجی

فصلنامه تاریخ روابط خارجی ایران، ماهیتی سیاسی - تاریخی دارد. صاحب امتیاز این نشریه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و از انتشارات مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه می‌باشد. لذا طبیعی است که این فصلنامه بیانگر دیدگاه‌های رسمی دولت می‌باشد و نمی‌توان آنرا نشریه‌ای مستقل به حساب آورد که در انتشار مقالات خود بدون جهت‌گیری عمل کند.

فصلنامه تاریخ معاصر ایران

این فصلنامه در واقع نشریه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران می‌باشد. این مؤسسه در سال ۱۳۶۵ به نام مؤسسه راهبرد مطالعات فرهنگی با بهره‌گیری از اسناد قابل توجهی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اختیار این مرکز قرار گرفته بود شکل گرفت و در سال ۱۳۷۴ ه.ش. به نام مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران تغییر نام داد. قلمرو مطالعات تاریخ در این مؤسسه محدود به تاریخ معاصر ایران است و تحولات سده‌های ۱۸ الی ۲۰ میلادی در ایران را دربر می‌گیرد. مؤسسه مزبور در زمینه حفظ و عرضه و انتشار اسناد و مدارک فعالیت دارد. ویژگی اصلی اسناد موجود در این مؤسسات، خصوصی بودن قسمت کثیری از آنها است و همین موجب تمایز این اسناد از سایر مجموعه‌های مشابه می‌باشد. بخش‌های این مؤسسه شامل آرشیو، کتابخانه، بانک اطلاعات پژوهشی، دفتر همکاری و ارتباطات بین‌المللی و انتشارات است. مؤسسه از ابتدا تاکنون حدود هفتاد عنوان کتاب و فصلنامه منتشر کرده است. فصلنامه تاریخ معاصر ایران نیز چنانکه از عنوان آن بر می‌آید، در حیطه تاریخ معاصر ایران فعالیت می‌کند. این فصلنامه دارای بخش‌های متنوعی مانند مقالات تاریخ شفاهی، اسناد تاریخی، اسناد تصویری (عکس)، نقد کتاب و کتاب شناسی می‌باشد.

سخن آخر درباره منابع استفاده شده به عنوان منبع جهت نگارش رساله حاضر اینکه، چه در مورد منابع داخلی و چه آثار نویسندگان خارجی، نگارنده اهتمام ویژه‌ای نموده است که، در راستای ارائه مطالب مؤثق و عاری از جهت‌گیری، ضمن استفاده از مطالب و اطلاعات این آثار تحت تأثیر دیدگاه‌ها، جهت‌گیری‌ها و داوری‌های نویسندگان آثار قرار نگیرد. اهمیت این مطلب از آن رو است که موضوع رساله حاضر در حیطه تاریخ معاصر می‌باشد، و این امر در مورد آثاری که در این حیطه به رشته تحریر می‌آیند به دلایل متعدد بیشتر صادق است

• فصل اول: روابط ایران و انگلیس تا دوره قاجار

شروع روابط ایران و انگلیس به دوره ایلخانان برمی‌گردد. در این دوره، تماس‌های تازه‌ای بین شرق و غرب برقرار شد، پیشگامان برقراری تماس بین شرق و غرب، افرادی چون ویلیام روبروکی^۱ (ایلچی و مبلغ دینی بوده، ادعای سفارت نداشت، اما با وسایل دولتی سفر می‌کرد)^۲، پولوها^۳ (سیاح و جهانگرد)، مارینو سنوتا^۴ و فریاری/اودوریک پاردنتی بودند^۵، همه اینها به دوره ایلخانان تعلق داشتند. دستاوردهای این افراد اهمیتی درخور داشت؛ چون راه را برای سیاحان بعدی هموار کردند. شرق، دیگر برای غرب ناشناخته نبود.

تماس بین ایران و غرب را، می‌توان با پیش کشیدن این سؤال که، چه انگیزه‌هایی باعث برقراری و حفظ روابط طرفین شده، آغاز کرد. این انگیزه‌ها ماهیتی چهارگانه داشتند، ولی البته همه آنها بطور همزمان عمل نمی‌کردند. به علاوه این انگیزه‌ها از نظر شدت نیز متغیر بودند.

به عنوان اولین دلیل، البته فقط در غرب، عامل و انگیزه مذهبی حاکم بود. در اواخر سده ۱۳م. بر اثر سیاست تساهل مذهبی ایلخانان مغول، تعدادی از راهب‌های فرقه دومنیکن و فرانسیسکن از شمال ایران دیدن کردند و در تبریز مقیم و به فعالیت پرداختند. در زمان سلطنت شاه عباس اول که سیاست تساهل مذهبی چشمگیرانه اعمال می‌شد، بر تعداد مسیون‌های مذهبی اروپائی افزوده شد.

دوم اینکه؛ در شرق و در مقابل ترکان عثمانی که قدرت روز افزون و ماهیت تجاوزکارانه آنان، خطر جدی برای ایران و امپراتوری بیزانس و سایر ممالک غربی پدید آورده بود، عزم حرکت یکپارچه نظامی وجود داشت. این قصد و اشتیاق موجب شد تا تعدادی از ممالک غربی، هیئت‌های سیاسی به ایران گسیل دارند و نیز هیئت‌هایی از ایران راهی دیار فرنگ شوند. با اینکه این تلاش‌های دیپلماتیک از هر دو طرف مدت‌های

1. William of Rubruck.

۲. اشپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۴، ص ۲۷۳.

3. Polos.

4. Marino Sanuto.

5. Friar Odoric of Pordenone.

مدید ادامه داشت، ولی به نتیجه‌ای نرسید، دلیل این ناکامی فقدان حسن نیت نبود، بلکه ایجاد ارتباط بین شرق و غرب دشواری‌هایی داشت، چرا که عثمانی متخاصم در بین آنها حائل شده بود. از این رو نتیجه این شد که عملیات هماهنگ و همزمان علیه دشمن مشترک به نتیجه نرسید.

سوم اینکه؛ انگیزه‌های بازرگانی در میان بود. ایجاد روابط تجاری بین غرب و ایران مقرون به صرفه بود. میل به برقراری روابط بازرگانی منجر به اعزام هیات‌های بازرگانی ملل غرب به ایران و برعکس شد.

چهارم اینکه؛ با افزایش ارتباط بین ایران و غرب، سیاحانی که به سوی هند و ماورای هند می‌رفتند؛ بالطبع باید از ایران می‌گذشتند. حتی سیاحانی هم بودند که می‌خواستند، خود ایران را بینند و بشناسند، چون این مملکت تا حدودی برای آنها ناشناخته بود.^۱

در بررسی روابط بین ایران و انگلیس، تمامی این انگیزه‌ها قابل بحث است. اما به مرور زمان علل و انگیزه‌های بیشتر و مهم تری روابط ایران و انگلیس و نیز ایران و سایر دول غربی را تحت تاثیر قرار داد و به روابط اهمیت بیشتری بخشید. از جمله مساله نفوذ انگلیس در هند و مستعمره کردن این کشور، و مطرح شدن ایران به عنوان سدی برای دفاع از این مستعمره‌ی ارزشمند در برابر رقبائی چون روسیه و فرانسه، و نیز مساله رقابت بین انگلیس و سایر قدرت‌های مطرح در جهان در جنبه‌های سیاسی و اقتصادی و بازرگانی و اهمیتی که خلیج فارس را برای این رقیبان در تمامی این زمینه‌ها مطرح می‌کرد. همچنین در قرن ۲۰م. با کشف نفت در ایران به نظر می‌رسد؛ تلاش برای دستیابی به این ماده نیز به یک عامل و انگیزه مهم در روابط بین ایران و انگلیس مطرح شد.

آغاز روابط ایران و انگلیس از دوران حاکمیت مغولان بر ایران بود. پیش از دوران مغولان، هیچ انگیزه‌ای برای انگلیسی‌ها به منظور مسافرت یا اعزام سفیر به ایران وجود نداشت. این انگیزه، در ایام استیلای مغولان بر ایران، به منظور اتحاد علیه دشمن مشترک (ممالیک مصر و شام) انگلیسی‌ها را واداشت تا چند هیئت سفارت به دربار ایران ایلخانی روانه کنند.

۱. لاکهارت، لارنس، «تماس اروپائیان با ایران»، ترجمه یعقوب آژند، مجموعه مقالات ایران در عصر صفوی پژوهشی از دانشگاه کمبریج، تهران، جامی، ۱۳۸۴، چ دوم، ص ۱۸۲-۳.

در عصر حکومت اباقاخان، ایلخان مغول، یک هیئت سفارت از طرف ادوارد اول، پادشاه انگلستان به ایران آمد تا ایلخان مغول را علیه ممالیک مصر و شام با انگلستان همگام سازد. اما فرونشاندن آتش فتنه‌های داخلی به اباقاخان مجال استفاده از این فرصت را نداد. اباقا نیز در یک اقدام متقابل و با همان انگیزه، هیئت سفارتی به دربار ادوارد اول اعزام کرد.

در زمان ارغون خان نیز سه هیئت و سفارت روانه دربار ادوارد اول شد با همان هدف قبلی، در پاسخ نیز هیئتی به ریاست جفری لانگلی^۱ از دربار انگلستان به ایران آمد تا از ارغون بر علیه ترکان کمک بخواهد^۲، اما زمانی رسید که ارغون درگذشته بود و گیخاتو نیز تمایلی به روابط سیاسی و اتحاد نظامی نداشت.^۳ روابط ایران و انگلیس از این به بعد تا زمان طهماسب اول صفوی مسکوت ماند. البته گفته شده است که تیمور پس از پیروزی خود بر ترکان عثمانی، نامه‌هایی نیز به هنری چهارم انگلستان فرستاد و پیشنهاد کرد؛ به بازرگانان امپراتوری او و بازرگانان انگلیسی امتیازات دو جانبه واگذار شود. هنری چهارم نیز جوابی درخور داده و پیروزی تیمور را شادباش گفته است.^۴

پس از آنکه دولت‌های اسپانیا و پرتغال به فتوای پاپ الکساندر ششم دنیا را میان خود تقسیم کردند و امپراتوری‌های مستعمراتی خود را در قاره‌های آمریکا، آفریقا و آسیا بنا نهادند، دولت انگلستان نیز که از معرکه عقب مانده بود در زمان سلطنت ملکه الیزابت در صدد برآمد برای خود مستعمراتی تهیه کند.

در آغاز نیمه دوم قرن ۱۶ م. اقداماتی برای باز شدن راه تجاری بین ایران و انگلیس از طریق روسیه انجام شد. از این رو ضلع دست چپ مملکت ترکان عثمانی در نظر گرفته شد، چون پرتغالی‌ها و دنباله‌روان آنها از ضلع دست راست بهره می‌بردند. به همین منظور در سال ۱۵۵۵ م. / ۹۶۴ ه. کمپانی مسکوی و یا کمپانی روسیه تشکیل شد. با گشوده شدن این مسیر به منظور برقراری ارتباط با ایران، هیئتی انگلیسی به رهبری جنکینسون^۵ در سال ۱۵۶۱ م. / ۹۷۰ ه. راهی ایران شدند. شرکت تصمیم گرفته بود که ایران را در قلمرو عملیات بازرگانی خود قرار دهد. وی از راه اردبیل راه به قزوین پایتخت ایران رفت و شاه طهماسب او را به حضور طلبید، اما هنگامی که شاه متعصب دریافت که جنکینسن مسیحی است او را از خود راند. با وجود این شاه بعداً نرم شد و

1. Jefry Longiy

۲. رایت، دنیس، انگلیسی‌ها در میان ایرانیها، ترجمه لطفعلی خنجی، تهران، ۱۳۵۹، امیر کبیر، ص ۱۲.

۳. راعی گلوچه، سجاد، قاجاریه، انگلستان و قراردادهای استعماری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰، چ اول، ص ۲۱۸.

۴. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۹، چ هفتم، ص ۳۹.

5. Jenkinson.